

دانشگاه کار آفرین و توسعه صنعتی

دکتر عبدالله شفیع آبادی^۱

چکیده

دانشگاه‌ها یکی از مراکز مهم تأمین و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص کشور محسوب می‌شوند. وجود نیروی انسانی ماهر و شایسته نیز برای رشد و توسعه صنعتی هر کشوری ضروری است. بنابراین می‌توان گفت که دانشگاه‌ها نقش عمده‌ای در فرایند توسعه کشور ایفا می‌کنند البته به شرطی که علاوه بر آموزش مطالب تئوری بر کاربردی کردن آموخته‌های دانشجویان هم تأکید کنند و یا به اصطلاح، دانشگاهی کار آفرینی باشند. در چنین دانشگاهی دانشجویان با ذهنیتی مثبت و بهره‌گیری از فرصت‌ها به جستجو و کشف ناشناخته‌ها و موارد جدید می‌پردازند و با ترکیب و تحلیل متغیرهای مختلف و اتکا به توانمندی‌های شخصی به یافته‌های تازه‌ای می‌رسند که خود و دیگران از آن بهره‌مند می‌شوند. لذا به منظور دستیابی به این هدف و برقراری ارتباط هرچه عمیق‌تر بین دانشگاه و صنعت توصیه می‌شود دانشگاه‌ها به اصلاح و بازنگری برنامه‌های درسی خود بپردازند، مراکز راهنمایی و مشاوره شغلی را تأسیس نمایند و همچنین با شرایطی مشخص بخشی از سهمیه پذیرش سالانه خود را در هر مقطع تحصیلی به کارکنان موسسات صنعتی اختصاص دهند.

کلید واژه‌ها: کار آفرین، توسعه صنعتی، دانشگاه.

۱. استاد دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

اشتغال یکی از ضروری ترین فعالیت های زندگی است که علاوه بر تأمین نیازهای اولیه، شخصیت و هویت فرد را شکل می دهد و خصوصی ترین روابط انسان را با خود و دیگران مشخص می سازد. اشتغال مناسب و مولد نیز مایه سعادت انسان و اساس خودکفایی و رشد جامعه محسوب می شود زیرا باعث بالارفتن کمیت و کیفیت تولید و رفاه بیشتر می گردد و در نهایت استقلال اقتصادی و قدرت سیاسی کشور را افزایش می دهد و امکان رقابت جهانی را در زمینه های مختلف فراهم می آورد. اشتغال در کاهش مفاسد فردی و اجتماعی هم نقش مهمی را ایفا می کند در حالیکه بیکاری و فشارهای شغلی، سلامت جسم و روان انسان را مختل می نماید و آسیب پذیری او را در برابر وقایع و بیماری ها افزایش می دهند. لذا می توان گفت که دوام، سعادت و سلامت جامعه بدون هیچ تردیدی به اشتغال مناسب افراد وابسته است. این در حالیست که هم اکنون بدلیل عدم برنامه ریزی در سطح کلان، روز به روز فاصله بین کشورهای جهان سوم با جهان صنعتی فزونی می یابد و این کشورها از جمله ایران با چالش های زیادی دست و پنجه نرم می کنند که یکی از مهمترین آنها مساله اشتغال است. برای رفع این معضل که به دلیل رشد بی رویه جمعیت در میان قشر جوان و تحصیل کرده جامعه ما تشدید پیدا کرده است بر عنصر انسانی به عنوان مهمترین سرمایه و منبع الهی تکیه می شود که البته در این بین به افراد خاص یا همان کارآفرینان توجه خاصی مبذول می گردد (دهقانپور، ۱۳۸۱؛ استاد زاده، ۱۳۸۲؛ شافع آبادی، ۱۳۸۹؛ ریدن^۱ و همکاران، ۲۰۰۰).

کارآفرینان به این خاطر رکن اساسی توسعه کشور محسوب می شوند که با فعالیت خود بیشترین اثر را روی رقبای ضعیف یعنی کسانی که کمترین سرعت عمل، انعطاف، خلاقیت، و آینده نگری را دارند و کمترین اثر را روی رقبای قوی

یعنی کسانی که از قبل خود را برای چنین وضعیتی آماده کرده اند می‌گذارند. بنابراین گرچه کارآفرینان موجب خروج بعضی از شرکت‌ها از بازار و بیکاری عده‌ای می‌گردند اما این سازمان‌ها، سازمان‌هایی هستند که با ممانعت از رشد و توسعه اقتصادی باعث گسترش بیکاری پنهان می‌شدند. لذا با بیرون راندن آن‌ها از بازار، زمینه ایجاد فرهنگ، خلاقیت، رقابت، تحول و استفاده بهینه از منابع مهیا می‌گردد (صمد آقایی، ۱۳۸۰).

اقتصاد دانش محور دنیای امروز که با گذشته تفاوت‌های اساسی دارد نیز باعث شده که کشورهای تولید کننده علم و دانش از نظر صنعتی توسعه یابند. پس توجه به مراکز تولید دانش و فناوری که مهمترین آن‌ها دانشگاه‌ها هستند امری ضروری است و به هیچ وجه نباید مورد غفلت قرار بگیرد. کارآفرین فردی است که بین دانش و علوم با صنعت و بازار کار ارتباط برقرار می‌کند و می‌کوشد تا دانش تولید شده در مراکز تحقیقاتی را به دانش تولید محصول تبدیل کند و محصولی قابل رقابت را به بازار ارائه دهد. لذا مهمترین آثار کارآفرینی، افزایش نوآوری، ارتقاء سطح فناوری، افزایش تعداد اختراعات و ابداعات، تولید دانش فنی، ایجاد شغل و در نتیجه افزایش ثروت ملی است. هیچ سرمایه گذاری هم نمی‌تواند تا این حد آثار مثبت اجتماعی و اقتصادی داشته باشد. بنابراین ایجاد روحیه کارآفرینی نقش بسزایی در توسعه صنعتی کشور خواهد داشت (موسوی مشهدی، ۱۳۸۲).

به همین خاطر در این مقاله به منظور توجه ویژه به هر دو مورد یاد شده، پس از بیان توضیحات کافی درباره دانشگاه کارآفرین و توسعه صنعتی، نقش چنین دانشگاهی در توسعه صنعتی مورد بررسی قرار می‌گیرد و توصیه‌های لازم برای ارتقای این نقش ارائه می‌شود.

تعریف دانشگاه کارآفرین

در خصوص دانشگاه کارآفرین از سوی صاحب‌نظران تعاریف متعددی ارائه

شده است که در این قسمت چند تعریف مهم و کلیدی بررسی می‌شود:

۱- دانشگاه‌ها دارای دو نقش اساسی هستند: یکی انتقال اطلاعات به دانشجویان به منظور افزایش آگاهی و به روز کردن دانش آنان برای آغاز و ادامه یک زندگی سالم و سازنده به عنوان یک شهروند و دوم آموختن مهارت‌های عملی بطوری که فارغ التحصیلان بتوانند با بهره‌گیری از این مهارت‌ها در آینده به اشتغال بپردازند، زندگیشان را اداره کنند و برای خود و جامعه مفید و مثمر ثمر واقع شوند. حال دانشگاه کارآفرین دانشگاهی است که علاوه بر آموزش مطالب نظری و ذهنی، اطلاعات و مهارت‌های شغلی رشته تحصیلی مورد نظر را به دانشجویان ارائه می‌دهد، واقعیات بازار کار و خط مشی‌های شغلی جامعه را بطور واضح و روشن به آنان می‌شناساند، دانشجویان را در شناختن استعدادها، رغبت‌ها و محدودیت‌هایشان یاری می‌نماید و با برگزاری کارگاه‌های شغلی، مهارت آنان را برای شکار شغل در آینده عملاً افزایش می‌دهد.

۲- دانشگاه کارآفرین دانشگاهی است که دو وظیفه مهم را انجام می‌دهد: اول آن که روحیه کارآفرینی را در بین تمامی دانشجویان توسعه می‌دهد و کارآفرینان آینده را تربیت می‌کند. دوم آن که خودش کارآفرینانه عمل می‌کند، مراکز رشد کسب و کار، پارک‌های فناوری و مواردی نظیر آن را ایجاد می‌نماید و ضمن درگیر کردن دانشجویان در این سازمان‌ها خود نیز به استقلال مالی دست می‌یابد.

۳- دانشگاه کارآفرین دانشگاهی است که همزمان با تولید علم و گسترش مرزهای بشری نسبت به نیازهای محیط حساس است و با بهره‌گیری از خلاقیت و شیوه‌های تفکر هوشمندانه ضمن پاسخگویی سریع به این نیازها و برطرف کردن مشکلات، زمینه را برای توسعه پایدار کشور فراهم می‌سازد.

ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین

در یک دانشگاه کارآفرین مشاغل جدید خلق می‌شود، افراد کارآفرین مورد حمایت قرار می‌گیرند، ارتباطات افراد و گروه‌ها بصورت باز، افقی و معمولاً غیر

رسمی است، از ایده‌های جدید و خلاق استقبال می‌شود، جلساتی برای تبادل اطلاعات و فعالیت‌ها تشکیل می‌گردد، امکان دسترسی به بازار کار و بهره‌گیری از تجارب گوناگون وجود دارد و نیروی انسانی خصوصاً دانشجویان با ارزش‌ترین منبع آن به حساب می‌آیند. علاوه بر این در چنین دانشگاهی دانشجویان به رقابت سالم با یکدیگر می‌پردازند و به کشف ناشناخته‌ها موفق می‌شوند. واحدها و مواد درسی نیز به طریقی تهیه، تدوین و ارائه می‌گردند که به افزایش مهارت‌های کاربردی علمی و فنی، بهره‌برداری از مهارت‌های مدیریتی در حیطه‌های مختلف، باور به خود اتکایی و اعتماد به نفس، خلاقیت، مسوولیت‌پذیری، شناخت توانایی‌ها، بهره‌گیری به موقع از فرصت‌ها و در نهایت ارائه راه‌حل‌های نو به چالش‌های گوناگون ملی و جهانی می‌انجامد (صمد آقایی، ۱۳۷۸؛ ذبیحی و مقدسی، ۱۳۸۵).

در یک دانشگاه کارآفرین به منظور افزایش دانش و آگاهی‌های دانشجویان و کمک به انتخاب درست و مناسب شغل، وجود مرکز راهنمایی و مشاوره شغلی ضرورت دارد. خدمات راهنمایی شغلی که توسط این مرکز ارائه می‌شود فرد را در شناخت خصوصیات مشاغل، نیازهای شغلی جامعه و استعدادها، رغبت‌ها و محدودیت‌هایش یاری می‌دهد و بدین ترتیب وی را برای طرح ریزی شغلی آماده می‌سازد و به سمت اشتغالی موثر و رضایتبخش سوق می‌دهد. حال آن‌که در مشاوره شغلی عوامل مرتبط با مشکلات انتخاب شغل و موانع حین اشتغال مورد بررسی قرار می‌گیرد و راه‌حلی برای آن‌ها تعیین می‌شود. بنابراین بطور کلی حاصل دو فرایند یاد شده عبارت است از انتخاب شغل مناسب، کسب سازگاری بیشتر با آن، انطباق نقش‌های زندگی و وظایف شغلی و افزایش بهداشت روانی (شفیع آبادی، ۱۳۸۵؛ زونکر^۱، ۱۹۹۴؛ براون و بروکس^۲، ۱۹۹۶؛

1. Zunker

2. Brown & Brooks

براون، ۲۰۰۳؛ براون و لنت^۱، ۲۰۰۵).

تربیت یافتگان دانشگاه کارآفرین، افرادی مصمم، سرسخت و متعهد به انجام کار هستند، نظم و انضباط کاری بالایی دارند، مشکلات خود را به شیوه عقلانی و منطقی حل می کنند، دچار ابهام و سردگمی نمی شوند، از شکست نمی هراسند و آن را فرصت مناسبی برای شناسایی، تحلیل مشکلات و حرکت بسوی آینده ای روشن می انگارند. استقلال طلبی، خطر پذیری، خلاقیت و نوآوری، توانایی مدیریت و سازماندهی صحیح و رقابت سالم از دیگر خصوصیات این افراد به شمار می رود (صمد آقایی، ۱۳۷۸؛ پرخوان رازلیقی، ۱۳۸۰؛ فیض بخش، ۱۳۸۱).

تعریف توسعه و توسعه صنعتی

در خصوص توسعه و توسعه صنعتی از سوی صاحب نظران تعاریف متعددی ارائه شده است که در این قسمت چند تعریف مهم و کلیدی بررسی می شود:

۱- توسعه جریانی چند بعدی است که موجب تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری، افزایش امنیت ملی، بهبود خدمات آموزشی و بهداشتی، غلبه بر سوء تغذیه، کاهش فقر و بیماری، بهبود وضعیت اشتغال، کاهش تعداد بیکاران، بی نیازی از ورود کالاهای خارجی و خود کفایی کشور می شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴).

۲- توسعه عبارت است از گسترش ظرفیت نظام اجتماعی برای برآوردن احتیاجات محسوس یک جامعه (آقا بخشی و افشاری راد، ۱۳۷۵).

۳- در دهه ۱۹۵۰ میلادی توسعه مفهوم اقتصادی داشت و در زمینه افزایش تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه بکار می رفت. ولی بعد از سال ۱۹۷۰ میلادی همگام با رشد علوم اجتماعی و انسانی در توسعه علاوه بر جنبه های کمی به کیفیت و نقش انسان نیز توجه شد و نظرات و آرای مختلفی در این حیطه مطرح گردید. لذا امروزه

توسعه تحرک اجتماعی است که موجب دگرگونی اعتقادات و وابستگی‌های سنتی در زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و سیاسی می‌شود و مردم را برای پذیرش الگوهای رفتاری جدید آماده می‌سازد (شبلی، ۱۳۷۵).

۴- صنعت آن بخش از فعالیت‌هایی است که منجر به تأمین ماشین آلات و تجهیزات مورد نیاز سایر بخش‌های تولیدی و خدماتی می‌گردد. بر همین اساس بسیاری توسعه صنعتی را با صاحب صنعت شدن یکی می‌شمارند در حالیکه به منظور توسعه صنعتی علاوه بر صاحب صنعت شدن باید تحولات دیگری در نگرش جامعه به کار، روابط تولیدی - فرهنگی، مسائل اقتصادی و... صورت پذیرد (پور سلیمان، ۱۳۷۹).

با توجه تعاریف مطرح شده توسعه دارای چندین ویژگی مشخص است که عبارتند از: پویایی، استمرار، چند بعدی و مرحله‌ای بودن، هدفمندی و انسان - محوری. عوامل موثر و شرایط لازم برای تحقق توسعه نیز عبارتند از: سرمایه، تجهیزات و مواد اولیه، سهولت دسترسی به اطلاعات، جذب و نگهداری نیروی انسانی متخصص، سازماندهی و سیاستگذاری و مدیریت صحیح (شبلی، ۱۳۷۵).

دیدگاه‌های توسعه صنعتی

بطور کلی سه دیدگاه درباره توسعه صنعتی وجود دارد که عبارتند از: گرایش افراطی چپ، گرایش افراطی راست، و دیدگاه تلفیقی. بر اساس دیدگاه اول، تنها راه صنعتی شدن کشورها آن است که برای مدتی مرزهایشان را به روی صنایع و تکنولوژی وارداتی ببندند، بر تولیدات ملی اتکا کنند و از آنچه هم اکنون در داخل کشور دارند استفاده نمایند. به عقیده عده‌ای این دیدگاه در عمل ناکام است زیرا به این ترتیب صنعت کشور دچار عقب ماندگی می‌شود و ماحصل تلاش‌های آن جوامع به ایجاد تکنولوژی پیشرفته نمی‌انجامد. در دیدگاه دوم این اعتقاد وجود دارد که کشورهای در حال توسعه و عقب مانده هیچگاه نمی‌توانند فاصله بین خود و کشورهای توسعه یافته را پر کنند و همواره باید خریدار و

مصرف کننده تکنولوژی آن‌ها باشند. ماحصل این دیدگاه نیز وابستگی کامل اقتصادی و صنعتی به کشورهای پیشرفته و در نهایت از دست دادن استقلال سیاسی است. در دیدگاه سوم تلاش می‌شود دو مورد قبلی تلفیق گردد و توسعه تدریجی همزمان با ورود برخی تکنولوژی‌ها و تولید برخی دیگر از کالاها در داخل کشور انجام پذیرد. در این دیدگاه تحقیق پیش شرط اجرای موفقیت آمیز کار است و باید واحدهای تحقیق و توسعه در کارخانجات تولید و موسسات صنعتی ایجاد گردند (طالقانی، ۱۳۷۹).

نقش دانشگاه‌ها در توسعه صنعتی کشور

دانشگاه‌ها یکی از مراکز مهم تأمین و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص کشور محسوب می‌شوند. برای توسعه صنعتی هر کشوری وجود تعدادی نیروی انسانی شایسته با مجموعه‌ای از دانش‌ها و مهارت‌های عملی ضروری است زیرا زندگی در مجاورت ماشین مستلزم داشتن قابلیت‌های ویژه‌ای است که می‌بایست توسط آموزش فراگرفته شود و توسط تجربه بهبود یابد. بنابراین می‌توان گفت که بدون نیل به دانایی امکان تحقق هیچ توسعه‌ای وجود ندارد و دانشگاه‌ها به شرطی که علاوه بر تربیت نیروی انسانی ماهر بر کاربردی کردن مطالب آموخته شده نیز تأکید نمایند یا به اصطلاح کارآفرین باشند نقش عمده‌ای در توسعه کشور ایفا می‌کنند (فیوضات، ۱۳۷۴؛ دانشی، ۱۳۷۸).

نتیجه گیری و پیشنهادات

بر اساس مطلب ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت:

۱- دانشگاه‌ها بعنوان مغز متفکر جامعه در تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد نقش حیاتی و تعیین کننده‌ای دارد. برای سازندگی جامعه و رشد و توسعه آن وجود نیروی انسانی ماهر و شایسته ضروری است. تفاوت عمده کشورهای جهان سوم با کشورهای توسعه یافته هم در همین مورد است. یعنی کشورهای

جهان سوم به علت نبود نیروی انسانی ماهر و یا مدیریت نادرست ذخایر زیر زمینی و منابع طبیعی و خدادادی خود را با نازل ترین قیمت در اختیار صاحبان صنایع و قدرت های بزرگ اقتصادی و صنعتی قرار می دهند. در مقابل جوامع صنعتی با تاسی بر تخصص و نیروی انسانی ماهر و کارآمد با تبدیل و تغییر مواد خام و صدور آنها به دیگر جوامع نیازمند و ناتوان سلطه خویش را حاکم می کنند. از این رو اگر درصدد رشد و توسعه جامعه بسوی خود کفایی هستیم باید ضمن توجه و تأکید بر نقش دانشگاه به اصطلاح و بازنگری برنامه های درسی آن بپردازیم و این برنامه ها را در دو بعد دانش افزایی دانشجویان و کاربردی کردن مطالب آموخته شده در جهت اشتغال و تأمین یک زندگی معقول تنظیم و تدوین کنیم.

۲- برای کاربردی کردن برنامه های دانشگاه ها باید مراکز راهنمایی و مشاوره شغلی در آنها تاسیس گردد تا دانشجویان فرصت لازم برای کسب اطلاعات شغلی را بدست آورند و بتوانند از طریق فعالیت در برنامه های کارآفرینی و حضور در کارگاه های آموزشی، آینده شغلی خود را هرچه صحیح تر و سریع تر مشخص سازند. لازم به ذکر است که یکی از اصول مهم راهنمایی و مشاوره شغلی سپردن کار به کاردان می باشد. با توجه به این اصل پیشنهاد می شود از گماردن افراد به کاری غیر از تخصص خود جلوگیری شود و در امر اشتغال به تخصص فرد شاغل توجه جدی مبذول گردد. به امید آن روزی که با بهره گیری درست و بجا از فارغ التحصیلان دانشگاه ها و گماردن آنان در جایگاه شغلی مناسب با تحصیلاتشان بتوانیم بیش از پیش از منابع زیر زمینی فراوان خدادادی و نیروهای کارآمد، مومن و صدیق استفاده کنیم و به اهداف برنامه های توسعه کشور دست یابیم.

۳- پیشنهاد می شود همکاری متقابل بین مؤسسات صنعتی - اجرایی کشور با دانشگاه ها استحکام و استمرار بیشتری پیدا کند. بدین منظور سازمان های اجرایی و مؤسسات صنعتی باید تحت شرایط و آیین نامه های معین و بر اساس انعقاد

قرار داد و تفاهم نامه مشخص، سالانه به اعزام تعدادی از نیروهای کاری خود برای ادامه تحصیل در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری ملزم شوند و دانشگاه‌ها نیز متقابلاً با شرایط مشخص متعهد شوند که بخشی از سهمیه پذیرش سالانه خود را در هر مقطع تحصیلی به این افراد تخصیص دهند. در اینصورت هم محتوای آموزشی کلاس‌های دانشگاهی بسوی عمل گرایی پیش خواهد رفت و از حالت نظری در خواهد آمد و هم جامعه صنعتی و اجرایی کشور در ارتقای دانش و کارآمدی نیروهای خود توفیق بیشتری خواهد یافت.

امید است که با پیگیری جدی پیشنهادات فوق توسط مسوولان اجرایی و دانشگاهی کشور رابطه بین صنعت و دانشگاه عملاً جایگاه خود را پیدا کند و شاهد پیشرفت‌ها و همکاری‌های بیشتری بین بخش‌های صنعتی و اجرایی دانشگاه‌ها باشیم.

منابع

- آقا بخشی، علی و افشاری راد، مینو. (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: انتشارات مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: انتشارات کیهان.
- استاد زاده، زهره. (۱۳۸۲). *کارآفرینی، توسعه و اشتغال*، نشریه رهیافت، ۲۹، ۸۰ - ۷۱.
- پرخوان رازلیقی، مصطفی. (۱۳۸۰). *کارآفرینی*، نشریه کارآفرین، ۸، ۲۷ - ۲۴.
- پورسلیمان، فریده. (۱۳۷۹). *نقش متقابل استاندارد و توسعه صنعتی و دیدگاه‌های برنامه سوم به آن*، نشریه استاندارد، ۱۰۹، ۵۳ - ۴۷.
- دانشی، غلامحسین. (۱۳۷۸). *عوامل مؤثر در ساختار صنعتی*، نشریه مهندسی متالورژی، ۵، ۲-۶.
- دهقانپور، علی. (۱۳۸۱). *کارآفرینی و کارآفرینان (تعاریف و ویژگی‌ها)*، نشریه صنایع، ۳۳، ۳-۸.
- ذبیحی، محمد رضا و مقدسی، علیرضا. (۱۳۸۵). *کارآفرینی از تنوری تا عمل*، مشهد: انتشارات جهان فردا.

- شبلی، خالد. (۱۳۷۵). مدیریت تحقیق و توسعه، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۸۹). راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای و نظریه‌های انتخاب شغل، تهران: انتشارات رشد.
- صمد آقایی، جلیل. (۱۳۷۸). سازمان‌های کارآفرین، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- صمد آقایی، جلیل. (۱۳۸۰). کارآفرینی ضد اشتغال موتور توسعه اقتصادی، نشریه تدبیر، ۱۱۴، ۲۴-۱۸.
- طالقانی، محمد. (۱۳۷۹). نقدی بر فرایند برنامه ریزی توسعه صنعتی، نشریه مدیریت، ۴۲، ۳۴-۳۱.
- فیض بخش، علیرضا. (۱۳۸۱). کارآفرینی و کارآفرین (تعاریف و ویژگی‌ها)، نشریه آفتاب، ۲۱، ۲۳-۲۰.
- فیوظات، ابراهیم. (۱۳۷۴). توسعه صنعتی و موانع آن در ایران (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات چاپخش.
- موسوی مشهدی، محمود. (۱۳۸۲). نقش کارآفرینی در توسعه صنعتی و اقتصادی، نشریه رهیافت، ۲۹، ۴۱-۳۵.
- Brown, D. (2003). *Career Information, Career Counseling, Career Development*, Boston: Pearson Education, Inc.
- Brown, D & Brooks, L. (1996). *Introduction to Theories of career choice and Development*, Sanfransisco: Jossey – Bass.
- Brown, D & Lent, R. W. (2005). *Career Development and Counseling*, Newjersey: John Wiley & Sons. Inc.
- Readon, C & et al. (2000). *Career Development and Planning: A Comparative Approach*, Stanford: Brooks/ Cole.
- Zunker, G. V. (1994). *Career Counseling: Applied Concepts of life Planning*, California: Pacific Grove, Brooks / Cole.